

قدرت‌های اقتصادی برای تسلط بیشتر بر منابع انرژی شده است. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز عاملی مهم در این زمینه است. مثلاً برای ناتو مهار اقتصادی چین، مهار امنیتی روسیه، تحت فشار قرار دادن هند و انزوای ایران عاملی کلیدی برای حضور در منطقه شده است که نوعی تقابل با سازمان همکاری شانگهای را ایجاد کرده است. اهمیت راهبردی و فرهنگی آسیای مرکزی، متغیر دیگر در این زمینه است، چراکه آسیای مرکزی در محل تقاطع فرهنگی میان شرق و غرب واقع شده به طوری که با فرهنگ ترکی و اسلامی پیوندهای دیرینه‌ای دارد. از نظر تاریخی هم اینکه آسیای مرکزی مدت‌ها در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و از مسیرهای نفوذ فرهنگ غرب به شرق است، این موضوع سبب توجه ناتو به این منطقه شده است. اهمیت استراتژیکی و راهبردی آسیای مرکزی نیز متغیر بعدی است، به گونه‌ای که می‌توان بیان داشت آسیای مرکزی تنها نقطه‌ای از جهان است که چهار قدرت هسته‌ای (روسیه، چین، هند و پاکستان) را به هم متصل می‌کند. کارشناسان مورد مصاحبه در ارتباط با موضوع مقاله، نیز معتقد بودند این رقابت عمدتاً جنبه ژئوپلیتیکی دارد و این موضوع نشان‌دهنده برجسته‌تر شدن اهمیت ژئوپلیتیک در سیاست کشورها و بخصوص ابرقدرت‌هاست و دوباره نظریه‌های ژئوپلیتیک به صحنه سیاست بین‌الملل با قدرت بیشتری برگشته‌اند پس تقابل سازمان همکاری شانگهای و ناتو از جنبه‌های مختلف، متغیرهای ژئوپلیتیکی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

در ارتباط با جایگاه آسیای مرکزی در سیاست خارجی ایران، باید گفت که این منطقه اهمیت بالایی برای ایران دارد. می‌توان مطرح کرد که آسیای مرکزی که یکی از حوزه‌های تمدنی ایران است، پیوسته و طی تاریخ، نقشی اساسی در رشد و گسترش عناصر ایرانی و اسلامی در تمدن ایرانی و دنیای اسلام داشته است. عوامل چندی بر این مسئله تأثیرگذار بوده است از جمله: قرار گرفتن تاجیکستان در حوزه فارسی‌زبانان؛ ایران به‌عنوان احیاکننده فرهنگ و تمدن ایرانی در آسیای مرکزی همواره مورد توجه بوده، به دلیل اهمیت تاریخی زبان فارسی در زمینه‌های فرهنگی و فراوان بودن واژه‌های فارسی، نوعی احساس همدلی و هم‌زبانی بین